جسم درّاک؛ معانی غیر از هوش پایه‌محور

دو جلسه قبل به من برگه‌ای داده بودند که آن را خواندم؛ مسائلی را مطرح کرده‌اند که مقدماتش طول کشیده بود و الآن هم می‌خواهم همان را ادامه بدهم. عرض کردم سبک طلبگی ما این است که ریخت ذهن حوزوی، مطلب را بفهمد و بعد جلو برویم. در رابطه با بسته‌بندی زمان، سؤال این بود: فاعل در و بدل کننده پیام، چه کسی است؟ فهم‌دهی پیام، چه کسی است؟ آیا اجزاء، فهم‌دهنده هستند؟ این فهم با لحاظ مادّه و حجاب چگونه حاصل می‌شود؟ دومین سؤال این بود: گفتیم که اشاره‌گر به جزئی از یک شبکه اشاره می‌کند، آیا اشاره کردن از طریق بستر، تحمیل می‌شود؟ یا او اشاره را انتخاب می‌کند؟ آیا شبکه معانی ظهور دارد؟ فهم‌دهنده و انتخاب‌کننده چه کسی است؟ تأثیر و تأثر هم سومین سؤال بود. این‌ها سؤالاتی است که ما به دنبالش هستیم.

مطلب دیگری هم فرمودند؛ فرمودند: «با فرض تحقق آگاهی نفس‌مند در هوش مصنوعی، تعریفی که از این هوش نفس‌مند ارائه می‌شود به چه صورت است؟». ما در این بحث هوش مصنوعی، مقید به این هستیم که هوش پایه‌محور باشد و نفس‌مند نباشد. اگر نفس‌مند شد تعریفش چیست؟ تعریفش به هوش نفسی است که به این پایه تعلق می‌گیرد؛ در هوش مصنوعی اگر فرض گرفتیم پایه‌ای فراهم کرده‌ایم که نفسی که برای عالم دیگر است، بتواند از طریق عالم تجرد، این را به کار بگیرد، تعریف این هوش مصنوعی نفس‌مند همان هوشی است که در نفس است و آن، دیگر آلت محض می‌شود. همان هوشی که در نفس، این را به کار می‌گیرد، تعریفش همان است؛ هر نفسی باشد، در هر درجه‌ای از کمال باشد؛ نفوس جنیه باشد یا انسانیه باشد؛ هر چه باشد؛ چون فرض گرفتیم که نفس‌مند است. این از بحث ما خارج است؛ این‌که ما بتوانیم یک رباتی بسازیم که حیات مصنوعی داشته باشد و آن‌قدر هم پیشرفت کند که از عالم ماوراء، نفس به آن تعلق بگیرد، از بحث ما خارج است. از نظر بحث‌های علمی، فعلاً هم تحقق‌ش و هم بحث‌هایش روندتر است، چون اگر نفس به آن تعلق گرفت، ساده‌تر از این چیزی است که ما به دنبالش هستیم. ما دنبال هوش پایه‌محوری هستیم که نفس‌مند نیست. این‌جا ببینیم چه می‌کنیم و آیا هوشی داریم که در مسائل فقهی، قصد و آگاهی و اقدام را بتوانیم از نظر موضوعات فقهی دسته‌بندی کنیم و به این هوش پایه‌محور به آن نسبت بدهیم؟ الآن این برای ما اهمیت دارد.

دنبالش فرمودند: «آیا هوش پایه‌محور را می‌توانیم قبل از گیاهان مطرح کنیم؟» یعنی بگوییم هنوز گیاه تشکیل نشده و به‌صورت کامل‌ه گیاه نرسیده‌ایم، برای این ماشین و رباتی که هوش پایه‌محور دارد، بگوییم: «جوهر جسم درّاک»؛ چون هوش پایه‌محور دارد. ولی هنوز گیاه نیست و «جوهر جسم نام» مرتبه بالاتر می‌شود و «نام حساس متحرک بالاراده» بالاتر می‌شود و بعد هم «جسم ناطق» آخرین مرحله‌اش است. آیا می‌توانیم در این‌جا قرارش بدهیم یا نه؟

با آن توضیحی که در ذهن من است و ما به دنبالش هستیم، نه. ما نمی‌خواهیم بگوییم «جسم درّاک» به این معنا، چون در آن سطحی که می‌خواهیم به‌دنبال هوش پایه‌محور باشیم، این‌طور نیست که مقصود ما، جسم درّاک باشد؛ یک جور دیگری مقصود ما است. ولو خیلی از این هم ابائی نداریم، چون دسته‌بندی است، اما دسته‌بندی‌ای که مقصود من است، به این صورت نیست.

بازبینی #4
ایجاد شده 6 ژانویه 2025 12:25:34 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژانویه 2025 09:50:11 توسط ... .